



طالع بینی در دربار شاهان صفوی / طالع بینی شهرها

با وجود رسمیت مذهب تشیع در ایران و سفارشهای پیامبر(ص) مبنی بر نکوهش این امور، در دربار شاهان صفوی، طالع بینان دارای ارج و جایگاه ویژه بودند؛ به طوری که سالانه مبالغ عظیمی خرج می شد و هیچ طبقه ای از اجتماع، مصون از شیوع خرافات مبتنی بر طالع بینی آنان نبود.

خبرگزاری مهر - با وجود رسمیت مذهب تشیع در ایران و سفارشهای پیامبر(ص) مبنی بر نکوهش این امور، در دربار شاهان صفوی، طالع بینان دارای ارج و جایگاه ویژه بودند؛ به طوری که سالانه مبالغ عظیمی خرج می شد و هیچ طبقه ای از اجتماع، مصون از شیوع خرافات مبتنی بر طالع بینی آنان نبود.

در دوره شاه سلطان حسین در مقابل محدودیتها و فشارهایی که برخی روحانیون و دانایان دینی برای مبارزه با خرافات ایجاد کرده بودند، عده معدودی از روحانیون و دانایان دینی هم بودند که فنون پیشگیری و غیب بینی و سحر و جادو و طلسم و تعویذ را تأیید و تصدیق می کردند و خودشان نیز در برخی از رشته های مزبور به فعالیت می پرداختند. (ر.ک: روزگاران، ص 99)

در همین دوره، یک رشته عبارات و کلمات به کار گرفته می شد که مفهوم ادعیه و اذکار را می رساند و ایرانیان به آنها دعا می گفتند. بیشتر آنها عبارت بودند از: آیات و یا آیتی از سوره های قرآن که مشتمل بر اسم اعظم یعنی نامهای بزرگ خداوند و یا متضمن اعلام توصیف ناپذیر بودند، زیرا به عقیده آنها قاری این اعلام قادر بر همه چیز است و معجزات به وسیله معرفت همین اعلام امکان پیدا می کردند.

ایرانیان این گونه نوشته های معجزه آسا و سحرآمیز را در لفاف مسطحی به قطرهای گوناگون قرار می دادند و پیش چشم، در دکانها و مغازه های خود آویزان می کردند. بعضی از این ادعیه به شکل گردن بند و یا بازوبند از سوی مردم مورد استفاده قرار می گرفت تا همیشه آنها به همراه خود داشته باشند. (ر.ک: سیاحت نامه شاردن، ج 5، ص 248)

طالع بینی از دیگر مقولاتی بود که نه تنها در دوره صفویه، بلکه قبل از آن نیز از سوی مردم مورد توجه بود و به نظر جالب می نمود. این کنجکاوی در دانستن طالع و سرنوشت، فقط خاص عامه مردم نبود، بلکه مشاهده شده که از سوی پادشاهان نیز مورد استقبال قرار می گرفت، به طوری که در صدد بر می آمدند تا از طریق منجمان و علوم نجوم، به دقیقترین ساعت تولد و طالع خود دست پیدا کنند.

طالع بینی نه فقط در این دوره، بلکه در گذشته های دورتر نیز مورد توجه تمامی اقشار بود، به طوری که حتی بزرگترین اخترشناسان اسلام نظیر 171#& بیرونی؛ از تألیف راهنمایی برای طالع بینی ابایی نداشتند و تصادفی نیست که در زبان اسلامی، لغت منجم هم به معنی اخترشناس است و هم به معنای طالع بین. اصولاً طالع بینی محتاج محاسبات دقیق و پیچیده ای بود تا بتوان مواردی چون اقبال و آینده شاهدگان به هنگام تولد و یا لحظه حلول بهار برای تعیین وقایع آتی سال و ... را پیش بینی نمود. (ر.ک: ایران عصر صفوی، ص 221)

با وجود رسمیت مذهب تشیع در ایران و سفارشهای پیامبر(ص) مبنی بر نکوهش این امور، مشاهده شده است که دربار شاهان صفوی، طالع بینانی که به این امور می پرداختند، دارای ارج و جایگاه ویژه بودند؛ به طوری که سالانه مبالغ عظیمی خرج چنین اقداماتی می شد و هیچ طبقه ای از اجتماع، مصون از شیوع خرافات مبتنی بر طالع بینی آنان نبود.

در این دوره، نه فقط مردان فهمیده و ادبا، مشتاقانه به آن روی می آوردند، بلکه حتی مردم عادی و سربازان نیز به اظهارات آنها گوش فرا می دادند و نظراتشان را سرلوحه کار خود می ساختند. (ر.ک: همان، ص 321 - 322) ملا جلال، منجم شاه عباس نقل می کند که شاه عباس از وی درخواست کرد تا از روی رمل، در خصوص مستولی شدن بر دشمن و یافتن مناسبترین جا برای اردو زدن و یا پیروزی و شکست در جنگ، اطلاع حاصل کند. (ر.ک: تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال منجم، ص 110)

در گذشته، طالع بینی نه تنها برای اشخاص و سرنوشت آنها به کار گرفته می شد؛ بلکه منجمان از طریق تنجیم طالع بینی شهرها را تعیین و مناسبترین زمان را برای عمران و آبادانی و گسترش بخشیدن به آنها اعلام می کردند. برای مثال آنها احداث شهرها اصفهان را در اوج برج قوس تعیین کرده بودند. (ر.ک: آثار ایران، ج 4، ص 303) و این چنین بود که تبریز بر طالع عقرب (ر.ک: تجربه الامرار و تسلیة الابراہر، ص 217)، و سلطانیه بر برج اسد (ر.ک: نزهة القلوب، ص 55) و طالع شیراز در برج سنبله رقم خورد. (ر.ک: فارسنامه ناصری، ص 568)

همچنین ساوه در برج جوزا (ر.ک: همان، ص 62) و طالع شعر ری را عقرب دانسته اند (ر.ک: همان، ص 53) و عمارت قزوین (ر.ک: همان، ص 57) و کاشان را به ترتیب بر بروج جوزا و سنبله عنوان کردند. (ر.ک: همان، ص 64)

فال و فالگیری با کاری که رمال و پیشگو انجام می داد، قدری تفاوت داشت. فالگیر کارش بدین ترتیب بود که سی یا چهل صفحه نازک که درازی و پهنای هر کدام به یک رول می رسید، در مقابل خود می گسترده. در قسمت پائین این صفحات، نوشته هایی دیده می شد. مشتری باید روی یکی از این صفحه ها پول می گذاشت و نیت می کرد. فالگیر ضمن خواندن ورد، به نوشته ها و اشکال ترسیم شده از فرشتگان، اژدها و انواع مختلف جانوران نظر می انداخت و برای مشتری از آینده سخن می گفت. (ر.ک: سفرنامه اولتاریوس، ص 312-313)

فال بینان در دوره صفویه در تمام شهرهای بزرگ ایران حجراتی داشتند. در اصفهان، مراکز متعددی برای این کار وجود داشت؛ به خصوص در جنب کاخ همایونی که در آن، انبوه عوام الناس ساده لوح گرد هم می آمدند. (ر.ک: سیاحت نامه شاردن، ج 5، ص 252) و یا در میدان شاه اصفهان که غیر از پاتوق فالگیران و دعانویسان، عده ای طاس باز و مارگیر و شعبده باز مردم را سرگرم کارهای خود می ساختند. (ر.ک: سفرنامه فرت آفاناس یویچ کاتف، ص 67-69)